

## هدیه‌ای برای خوانندگان رشد آموزش ابتدایی

۱ کتاب در ۸ شماره

# نوآوری در یادگیری با تکالیف درسی خلاق

راهنمایی برای آموزگاران، پدران و مادران

براساس نوشته‌ای از نانسی پائولو  
ترجمه‌ی زری آقاجانی  
مطالعه‌ی تطبیقی و آماده‌سازی: رشد آموزش ابتدایی

یادگیری در طول زمان اتفاق بیفتد. دانش‌آموزان با پژوهش در موضوعاتی که به آن‌ها علاقه‌مند هستند، اطلاعات زیادی به دست می‌آورند و یاد می‌گیرند وقت خود را کنترل و از اتلاف آن جلوگیری کنند.

**خدیجه احمدی**، آموزگار دبستان شاهد در منطقه‌ی ۱۶ تهران، پژوهش‌های دانش‌آموزی را نوعی ارائه‌ی زمان‌دار می‌داند و می‌گوید: «اگر هدایت خوبی بر پژوهش‌های ساده‌ی دانش‌آموزی خود داشته باشیم، آن‌ها در طی چندماه، دائماً به یک موضوع فکر می‌کنند و این از هزارتا رونویسی فارسی و حل تمرین‌های بی‌ثمر ریاضی اثرگذارتر است.»

**کیت بنت**، آموزگار مدرسه‌ی ابتدایی در روستای آیداهو می‌گوید: «من تکالیفی را طرح می‌کنم که دانش‌آموزانم را علاقه‌مند کند و آن‌ها را نسبت به کارشان هیجان‌زده سازد. البته مقدار کمی هم تمرین می‌دهم. حتی گاهی اوقات ممکن است تکلیف، مسئله‌های ریاضی باقی‌مانده از روز قبل باشد که

### ۶. در طراحی تکالیف، تنوع را در نظر بگیرید

اگر همه‌ی تکالیف شبیه هم باشند، برای دانش‌آموزان خسته‌کننده خواهد بود. سعی کنید یا سبک‌ها و روش‌های موجود و آزموده را تغییر دهید، یا با یکدیگر ترکیب کنید. چرا که غیرممکن است همه‌ی تکالیف، همه‌ی دانش‌آموزان را سرگرم کند. تنوع در ارائه‌ی تکالیف، فرصت‌هایی را که در آن‌ها همه‌ی شاگردان از برخوردار شدن از تکالیف مورد پسند خود احساس رضایت کنند، افزایش می‌دهد. تکالیف به مقدار کم در مباحثی مشخص، به دانش‌آموزان کمک می‌کند مطالبی را که قبلاً در کلاس یاد گرفته‌اند، دوره و تمرین کنند. برای مثال، دانش‌آموزان در مبحث اعشارها از درس ریاضی، به دوره‌ی درس احتیاج دارند، در حالی که در درس‌هایی مثل زبان‌های خارجی، ممکن است به دوره و مرور حرف ربط و افعال نیاز داشته باشند. همچنین، انجام کارهای پژوهشی ساده توسط دانش‌آموزان، به آن‌ها اجازه می‌دهد دانش و آگاهی خود را توسعه دهند و

بچه‌ها روش حل آن را بلدند. حتی می‌توان تکلیف شفاهی هم به دانش‌آموزان ارائه کرد! بله، اصلاً تعجبی ندارد. مسئله یا پرسشی را برای آن‌ها مطرح می‌کنم و می‌گویم، بدون آن که جوابش را در جایی بنویسید، لازم است تکلیفتان را به صورت شفاهی و به شکل بیان در کلاس درس آماده کنید.

او می‌گوید: «من دوست دارم تکلیف با پرورش خلاقیت کودکان همراه باشد. بنابراین ممکن است از آن‌ها بخواهم نمایش‌نامه‌ای تلویزیونی خلق کنند و یا فیلم‌نامه‌ای بنویسند.»

**دیوید ای. ویلیامز**، معلم ریاضی اهل فلوریدا، سرفصل‌های درس جبر را به دانش‌آموزانش یاد می‌دهد و سپس از آن‌ها می‌خواهد درباره‌ی هر یک از مباحث، سؤالاتی را طرح کنند. البته او مقدار، نوع و چگونگی سؤالات را هم به بچه‌ها گوشزد می‌کند. دانش‌آموزان تا حدودی این روش را دوست دارند، زیرا خودشان در طرح تکلیف مشارکت دارند.

**پرویز گوهریان**، دبیر علوم با سابقه‌ی تهرانی، اگرچه برخی مواقع از این روش استفاده کرده است، ولی معتقد است: «استفاده‌ی مکرر از این شیوه، خیلی خوب نیست، چرا که باعث یکنواخت شدن دید بچه‌ها به تمرین‌ها می‌شود و معمولاً چون اکثر دانش‌آموزان به روش‌های هم‌گرا علاقه‌ی زیادی دارند، از تمرین‌های خلاق کمتر استفاده می‌کنند. لذا بهتر است از این روش نیز در کنار سایر شیوه‌ها استفاده شود.»

**جورج بیر**<sup>۲</sup>، دبیری از منطقه‌ی مونتانا با ۳۸ سال سابقه تدریس، از روش یادیارها برای ارائه‌ی تکلیف به دانش‌آموزانش استفاده می‌کند. آقای بیر، از شاگردانش می‌خواهد در درس روان‌شناسی، لغات کلیدی درس را به یاد بیاورند. قبلاً دانش‌آموزان او خسته می‌شدند از این که تعاریف را پیدا کنند و عیناً ارائه دهند، اما او از روش «ذرت بو داده» استفاده کرد و موفق شد. جورج این روش را از دخترش **کارول وارد**<sup>۴</sup> که معلم همان منطقه‌ای بود که او تدریس می‌کرد، یاد گرفته بود. این جاست که می‌گویند، از همه می‌توان یاد گرفت، حتی از دختر کوچک آدم که تازه معلم شده است. آقای بیر روش ذرت بو داده را چنین اجرا می‌کند: هر ورق کاغذ را دو تکه می‌کند. روی یکی، واژه و روی دیگری، تعریف یا شرح همان واژه را می‌نویسد. به این ترتیب، برای کلاسی با ۳۰ دانش‌آموز، ۱۵ لغت و ۱۵ تعریف می‌نویسد. سپس به هر دانش‌آموز، به تصادف یک نیم‌ورق می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد آن را مچاله کنند و به شکل توپ یا همان ذرت بو داده درآورند و به بالا پرتاب کنند. در فضایی پر از هیجان و لذتی سرشار، او از دانش‌آموزان می‌خواهد سعی کنند ذرت بو داده‌ی دیگری را به دست آورند. بعد حدود یک دقیقه (یا بیشتر) به آن‌ها فرصت می‌دهد تا در کلاس بگردند و ورقه‌ی خود را با ورقه‌های دانش‌آموزان دیگر تطبیق دهند. یعنی کسی که واژه در دست دارد، ورقه‌ی تعریف خود را بیابد و کسی که تعریف در دست اوست، واژه یا عبارت معادل تعریفش را پیدا کند. آن‌گاه شاگردان در دسته‌های دوتایی جلوی تخته می‌آیند و واژه و معنی خودشان را می‌خوانند. تلاش بر سر یادگیری مفاهیم است، نه حفظ آن‌ها. نمره‌ای در

کار نیست و فرصت داده می‌شود اشتباهات جبران شود. این کار آقای بیر، علاوه بر ایجاد هیجان و لذت در یادگیری، باعث می‌شود هیچ‌کس با تأخیر وارد کلاس نشود. او می‌گوید: «اول بچه‌ها این روش را باور نداشتند و حتی نوعی مسخره‌بازی هم در کار آن‌ها دیده می‌شد، ولی بعدها که صدای شادی آن‌ها کلاس را پر می‌کرد و همه درگیر یادگیری می‌شدند، می‌دانستم که طرح ذرت بو داده، روش خوبی برای تمرین است. البته وقتی دانش‌آموزان دو به دو مقابل تخته می‌آیند و واژه‌ها و تعاریفشان را می‌خوانند، من در مورد درستی یا نادرستی کارشان هیچ توضیحی نمی‌دهم و عمداً قضاوت را تا اتمام ارائه‌ی کار همه‌ی گروه‌های دو نفره، به تأخیر می‌اندازم. این کار باعث می‌شود در تمام مدت زمانی که کارگروه‌ها ارائه می‌شود، همه با دقت به مباحث کلاس توجه کنند. هر روز که همه‌ی دانش‌آموزان همه‌ی گروه‌ها، پاسخ کامل دادند و هیچ اشتباهی در کار نبود، همه‌ی آن‌ها را از امتحان بعدی معاف می‌کنم.»

تنوع تکلیف، هم‌چنین باعث تقویت علمی معلم می‌شود. **خانم هارمن**<sup>۵</sup> که اکنون در سی‌وپنجمین سال تدریس زبان‌های انگلیسی و فرانسه به پایه‌های ۷ تا ۱۲ است، می‌گوید: «من به ندرت یک نوع تکلیف را دوبار ارائه می‌دهم. دانش‌آموزان از تمرین جدید لذت می‌برند و من سعی می‌کنم هر سال، حتماً یک کتاب جدید تدریس کنم. بنابراین، هیچ‌وقت یک کتاب را برای چند سال متوالی تدریس نمی‌کنم.»<sup>۶</sup>

## ۷. تکالیفی طرح کنید که به یادگیری شخصی دانش‌آموزان کمک کند

**فیلیس اورلیک**<sup>۷</sup>، معلم زبان از منطقه‌ی آرکانزاس می‌گوید: «تکالیفی که به بهترین نحو توسط همه‌ی دانش‌آموزان انجام می‌شوند، تکالیف شخصی آن‌ها و تمرین‌هایی هستند که براساس زندگی زیسته‌ی آن‌ها طراحی شده باشد. این تکالیف غالباً موجب جذب بچه‌ها به پدران و مادران، فرهنگ و تجربیات ارتباطی می‌شوند و دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که قدر تجربه‌ها و اطلاعات خود و هم‌کلاسی‌هایشان را بدانند.»

اگر تحقیقاتی را که خانم **بث رینولدز**<sup>۸</sup> برای دانش‌آموزان خود در درس علوم اجتماعی مطرح می‌کند، جمع‌آوری و در مجموعه‌ای منتشر کنند، همه خواهند فهمید که به اندازه‌ی یک میراث‌ماندگار، با ارزش است. کتاب شناخته‌شده‌ی «ریشه‌ها»<sup>۹</sup> نوشته‌ی **هالی**، اثری معروف در حوزه‌ی جامعه‌شناسی آمریکایی است. خانم رینولدز، بخش‌هایی از کتاب را برای دانش‌آموزان خواند و در مورد سه گروه فرهنگی از پدیدآورندگان جامعه‌ی آمریکایی، یعنی آفریقایی‌تبارها، اروپاییان مهاجر و آمریکایی‌های بومی برای بچه‌ها توضیح داد. او برای آن‌ها شرح داد که این سه گروه چگونه در شکل‌گیری جامعه تأثیر داشته‌اند. آن‌گاه از بچه‌ها خواست به دور و بر خود نگاه کنند، افراد محله‌ی خود را از این منظر مطالعه کنند و گزارشی به کلاس ارائه دهند. او هم‌چنین از دانش‌آموزانش خواست دقت کنند و ببینند که چه‌طور خانواده‌ها و روابط بین آن‌ها می‌توانند به سرعت روی

آن چه که می‌دانیم، معتقدیم و انجام می‌دهیم، تأثیر بگذارند. خانم رینولدز از دانش‌آموزانش خواست با والدین خود درباره‌ی سه موضوع که آن‌ها بیشتر می‌خواهند بچه‌هایشان در مورد زندگی بدانند، گفت‌وگو کنند و علت‌های آن‌ها را بشکافند. وی در مورد نتایج این تکلیف می‌گوید: «خیلی جالب بود. زیرا به بچه‌ها و والدین فرصت‌هایی را می‌داد که در کنار هم باشند و با یکدیگر حرف بزنند - برخی از پدران و مادران، نامه‌هایی به فرزندانشان می‌نوشتند و در آن‌ها، مواردی را که با ارزش بودند (مانند اعتقاد به خود، روابط صمیمی اعضای خانواده، همراهی با یکدیگر، حفظ محیط‌زیست، و ایمان واقعی به خدا)، شرح دادند. خانم رینولدز می‌گوید: «این تکلیف را بچه‌ها انجام ندادند، بلکه با آن زندگی کردند و من هم از این طریق، چند فصل را کتاب درسی‌ام را پیش بردم.»

**خانم سارا خزایی**، آموزگار دبستان از تنکابن می‌گوید: «من وقتی دانش‌آموزانم را به اردویی در ارتفاعات دور و بر شهرمان، مانند منطقه‌ی ییلاقی ۲۰۰۰ می‌برم، یا با آن‌ها به بازدید آرامگاه شاعری شناخته شده مثل **سلمان هراتی** می‌روم، تا مدت‌ها سعی می‌کنم از حواشی این اردو و آن بازدید، در طرح پرسش‌ها و تکالیف کلاسی‌ام بهره بگیرم. اتفاقاً چون هر دو مورد، یعنی هم منطقه‌ی ۲۰۰۰ و هم آرامگاه سلمان هراتی، برای مردم منطقه آشناست، به راحتی پدران و مادران بچه‌ها را هم به مشارکت در پاسخ به پرسش‌ها و انجام تکالیف فرزندانشان می‌کشانم. به نظر من وقتی بچه‌ها، پدیده‌ای را زندگی می‌کنند و از آن شناخت دارند، راحت‌تر به پرسش‌های طرح شده درباره‌ی آن موضوع و حواشی‌اش پاسخ می‌دهند.»

**۸. تکالیف را با موقعیت زمانی دانش‌آموزان تطبیق دهید**  
اغلب شاگردان از این گله دارند که نمی‌توانند با تکالیفی که شامل وقایع گذشته‌اند و غالباً در زمان‌های دور اتفاق افتاده‌اند، ارتباط برقرار کنند.

**خانم کتی پریست<sup>۱۱</sup>**، معلم دروس اجتماعی از «اوهایو» می‌گوید: «تاریخ کهن یا تاریخ آمریکایی، به خودی خود موضوع‌های سختی برای تدریس هستند، مگر این که آن‌ها را به زمان حال ربط دهیم. علاقه‌مند کردن و هیجان‌زده‌ساختن دانش‌آموزان درباره‌ی وقایعی که حدود ۲۰۰ سال پیش اتفاق افتاده‌اند، بسیار مشکل است، در حالی که آن‌ها حتی اهمیت نمی‌دهند که دو هفته پیش چه اتفاقی افتاده است. من سعی می‌کنم مواردی را از زندگی روزمره‌ی دانش‌آموزان پیدا کنم که امکان تطبیق آن‌ها با حوادث سال‌های دور ممکن باشد.»

**دانیل دوربین<sup>۱۱</sup>**، معلمی از ایالت «آیندیانا»، با بحث روی شباهت‌ها و تفاوت‌های بین گانگسترهای امروزی و رمان شکسپیر، تا حدود زیادی توانست دانش‌آموزان را به داستان «رومئو و ژولیت» علاقه‌مند سازد.

**رونالد کورمیر<sup>۱۲</sup>**، معلم علوم اجتماعی در «لوئیزیانا»، روشی را به کار برد تا دانش‌آموزان کلاس‌های هفتم و هشتم درباره‌ی جنگی که سال‌ها پیش در شهر «گنیزبورگ<sup>۱۳</sup>» در

ایالت پنسیلوانیا رخ داده بود، به شکل فعالی در کلاس حضور داشته باشند. او از دانش‌آموزان خواست به‌طور موقت وانمود کنند که خبرنگار تلویزیون هستند و از میدان‌های نبرد شهر مذکور گزارش می‌دهند. او در مقابل کلاس، یک جعبه‌ی بزرگ مقوایی قرار داد که شبیه تلویزیون بود. دانش‌آموز پشت جعبه به ایفای نقش می‌پرداختند و درباره‌ی جنگ گزارش می‌دادند. کورمیر حتی با افسران نبرد مذکور، سربازان و مردم عادی حاضر در صحنه نیز مصاحبه می‌کرد. این تمرین را می‌توان حتی در مورد جنگ‌های تاریخی دیگر، مانند جنگ‌های صلیبی، به کار برد. در طول این گفت‌وگوها، دانش‌آموزان ویژگی‌های نبردها را یاد می‌گیرند و دیدگاه‌های خود را در مورد ابعاد گوناگون آن‌ها با یکدیگر در میان می‌گذارند. در این میان، آقای کورمیر، در مقام فردی عمل می‌کند که به دانش‌آموزان خود در زمینه‌ی همکاری، تعامل و تبادل دیدگاه‌ها یاری می‌رساند.

**آقای علی غریبی**، دبیر تاریخ در شهرستان مشهد می‌گوید: «وقتی من تاریخ معاصر ایران را تدریس می‌کنم، از دانش‌آموزانم می‌خواهم به دو شکل به من کمک کنند: یا در مقام گوینده‌ی اخبار رادیو یا تلویزیون عمل کنند و با صلابت یک گوینده‌ی خبر، رویدادهایی را که سال‌ها پیش اتفاق افتاده‌اند، بازگو کنند، و یا فرض کنند خطیبی هستند که برای مردم شهر سخن‌رانی می‌کنند. البته برای آشنا شدن بچه‌ها با هر دو شیوه، لازم است نمونه‌هایی از هر روش را شخصاً به آن‌ها نشان دهم.»

## ۹. تکالیف را با مهارت‌ها، علایق و نیازهای دانش‌آموزان تطبیق دهید

در صورتی که تکالیف از سه ویژگی زیر تبعیت کنند، دانش‌آموزان تمایل زیادی به انجام آن‌ها خواهند داشت:

- \* نه خیلی آسان باشند، نه خیلی مشکل؛
- \* با سبک‌های یادگیری انتخاب شده توسط هر یک از شاگردان تطبیق کنند؛

- \* دانش‌آموز از کار کردن روی آن‌ها، واقعاً لذت ببرد.

امروزه در کلاس اکثر معلمان، تعداد فراوانی دانش‌آموز حضور دارند. به همین دلیل انتظار نمی‌رود همه‌ی معلمان، به‌ویژه آن‌ها که دانش‌آموزان زیادتری دارند، بتوانند برای هر دانش‌آموز، متناسب با سلیقه و روش یادگیری او، تکلیف طرح کنند. اما شاید بتوانند برای گروه‌های همگنی از دانش‌آموزان که از نظر سبک و روش یادگیری یکسان هستند، تکالیف متناسبی تدارک ببینند. این کار اگرچه سخت است، اما موجب می‌شود همه‌ی دانش‌آموزان تعدادی تمرین متناسب و مناسب داشته باشند که قطعاً به آن‌ها علاقه‌مند خواهند بود و از انجام دادن آن‌ها لذت خواهند برد.

در این میان، طرح تکالیف برای دانش‌آموزان پرانرژی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پرانرژی بودن دانش‌آموزان دلایل گوناگونی دارد. مثلاً ممکن است دانش‌آموزی به دلیل آن که توانایی علمی بالایی دارد یا سطح تحصیلی وی از کلاس بالاتر است، در زمره‌ی دانش‌آموزان پرانرژی قرار گیرد. یا

آن که به دلیل نوع نژاد، تعلق داشتن به منطقه‌ی جغرافیایی یا محله‌ی سکونت‌ی خاص و یا دارا بودن توانمندی‌های اقتصادی و خانوادگی، به نوعی دانش‌آموز پرنرزی تلقی شود. در کلاس بیشتر معلمان، خواه ناخواه چنین دانش‌آموزانی پیدا می‌شوند؛ هم‌چنان که دانش‌آموزان ضعیف‌تر نیز، به هر حال وجود دارند. معلمان باید ترتیبی اتخاذ کنند که هر دو دسته از این دانش‌آموزان، تکالیف مناسبی داشته باشند. تکالیفی که برای دانش‌آموزان مستعد و پرنرزی کلاس طرح می‌شود، با تکالیف دانش‌آموزان ضعیف‌تر از لحاظ سطح تفکر فرق می‌کند. اگر تکالیف دانش‌آموزان گروه اول، بیشتر از نوع انتزاعی است، تکالیف گروه دوم ساده و در حد رساندن آن‌ها به «یادگیری در حد تسلط»<sup>۱۴</sup> است. به عبارت دیگر، معلم سعی می‌کند تکالیفی به این قبیل دانش‌آموزان بدهد که آن‌ها لااقل به سطح حداقلی از آموزش دست یابند.<sup>۱۵</sup>

**خانم لیندا فوسنات**<sup>۱۶</sup>، معلم انگلیسی دبیرستانی در «نیوهامپشایر»، از دانش‌آموزانی که با تکالیف حل‌نشده به مدرسه می‌آمدند و نمرات کمی می‌گرفتند، نامید شده بود. یک روز تدریس خود را متوقف کرد و از دانش‌آموزان مذکور خواست، تکالیف خود را همان لحظه در کلاس انجام دهند. ولی به دانش‌آموزانی که تکالیف را قبلاً انجام داده بودند، اجازه داد به انجام تکالیف سایر دروس خود بپردازند و یا کتاب دل‌خواهشان را مطالعه کنند. خانم فوسنات بدون این‌که دانش‌آموزان بدانند، زمان انجام تکالیف توسط آن‌ها را اندازه گرفت و به عددی رسید که بسیار برای او مایوس‌کننده بود. او متوجه شد اگرچه دانش‌آموزانش، معمولاً از زیاد بودن تکالیفشان گله دارند، ولی اکثر آن‌ها کل تکالیف خود را در مدت زمانی بین ۷ تا ۸ دقیقه به پایان می‌رسانند.

او دو سه بار دیگر این کار را انجام داد و وقتی مطمئن شد تکالیف او، در حداکثر بچه‌های کلاس است، نتایج یافته‌های خود را با دانش‌آموزانش در میان گذاشت. خانم فوسنات به بچه‌ها گفت، اگر از این به بعد تکالیف خود را به‌طور کامل در منزل انجام دهند، پاداش خوبی از او خواهند گرفت. علاوه بر این او به نتایج یافته‌هایش اشاره کرد و به شوخی گفت: «حتماً طی تمام بعدازظهر، ۷ تا ۸ دقیقه وقت خالی در بساط شما پیدا می‌شود. لطفاً این دقیقه‌ها را بی‌خودی از دست ندهید!» بیشتر دانش‌آموزان خانم فوسنات از آن به بعد، همیشه با تکالیف انجام‌یافته سر کلاس حاضر می‌شدند.

معلمان می‌توانند راه‌های دیگری را برای تطبیق دادن تکالیف با مهارت‌ها، علایق و نیازهای دانش‌آموزان امتحان کنند. فراهم‌آوردن گستره‌ی قابل توجهی از راه‌های انجام تکالیف، موقعیت‌هایی را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد تا آن‌ها بتوانند از انجام تکالیف لذت بیشتری ببرند.

خانم هارمن، که پیش‌تر از تجربه‌های او سخن گفتیم، در مورد انجام تکالیفی که شامل یک فعالیت نوشتاری بود، وقت قابل توجهی به دانش‌آموزانش داد و از آن‌ها خواست خلاقیت‌های خود را در انجام تکالیف به‌کار گیرند. او به شاگردانش گفت

فرض کنید فرزندان‌شان در سال ۲۰۴۰ میلادی زندگی می‌کنند. حال چیزهایی را درباره‌ی زندگی کنونی خود بنویسند که برای نوجوانان ۲۰۴۰ به اندازه‌ی کافی جذابیت داشته باشد. خانم هارمن به دانش‌آموزانش گفت: «از این فرصت استثنایی استفاده کنید و با فرزندان‌تان صحبت کنید.»

بر این اساس دانش‌آموزان خودشان می‌توانستند تصمیم بگیرند چه بنویسند، چگونه بنویسند و از چه سبکی استفاده کنند. مثلاً برخی شعر نوشتند، عده‌ای از قالب خبر برای نوشته‌ی خود بهره گرفتند و حتی تعدادی برای فرزندان خود در سال ۲۰۴۰ پست الکترونیک و نمابر فرستادند. یک نفر نیز قدری به عقب برگشت و از تصورات خودش در بیجگی و مقایسه‌ی آن تصورات با آن‌چه که سال‌ها بعد به‌طور واقعی در نوجوانی برایش اتفاق افتاده بود، بهره گرفت و متنی برای فرزندش در سال ۲۰۴۰ نوشت.

خانم **فاطمه کمال‌وند**، آموزگار کلاس پنجم ابتدایی در «الیگودرز»، پس از شرکت در یک کارگاه آموزشی که شیوه‌های نوشتن را به بحث گذاشته بود، از شیوه‌های نوشتن و قالب‌های مطبوعاتی در ارائه‌ی تکالیف به دانش‌آموزان خود استفاده می‌کند. او می‌گوید: «از بچه‌ها می‌خواهم پاسخ تکلیفی را که برای انجام دادن مشخص کرده‌ام، با بهره‌گیری از قالب‌های مطبوعاتی بنویسند. مثلاً آن‌ها می‌توانند با افرادی گفت‌وگو کنند، میزگرد بگذارند، خبر تهیه کنند، گزارش، یادداشت یا مطلب طنز بنویسند، شعر بگویند، داستانتان و داستان و داستان بلند بنویسند... در چنین حالتی، بچه‌ها طیف وسیعی از شیوه‌های انجام تکالیف را پیش روی خود دارند که می‌توانند براساس مهارت و علاقه به یکی از آن‌ها مراجعه کنند.»

زیرنویس

1. Kit Bennett
2. David E. Williams
3. George Bever
4. Carol Ward
5. Harman

۱۴. در سیره‌ی بوخی از علمای بزرگ تعلیم و تربیت اسلامی نیز چنین شیوه‌ای را مشاهده می‌کنیم. مثلاً می‌گویند، آیت‌الله‌العظمی بروجردی، هیچ‌وقت دو سال متمادی یک کتاب مشخص را تدریس نمی‌کردند و اعتقادشان بر این بود که با این شیوه، مباحث درس برایشان تکراری می‌شود و کمتر می‌توانند در خدمت علم‌آموزان باشند. امام خمینی (ره) نیز چنین شیوه‌ای را مدنظر داشتند و حتی دیده شده بود که ایشان بین تدریس یک درس مشخص، بین دو تا سه سال فاصله می‌انداختند.

7. Phyllis Orlicek
8. Beth Reynolds
9. Roots
10. Chaty Priest
11. Daniel Durbin
12. Ronald Cormier
13. Gettysburg
14. Mastery Learning

۱۵. برای آگاهی بیشتر در زمینه‌ی انواع تکالیف انفرادی دانش‌آموزان نگاه کنید به: **بسته‌ی آموزشی چیست؟**، مرتضی مجدفر، نشر چاپار فرزانگان، ۱۳۸۳.

16. Linda Fosnaught